

گفت‌وگو با «اسکندر مختاری» درباره حذف تدریجی حیاط از معماری خانه در کلان‌شهرها

آینده‌ای بی‌کیفیت پیش‌روی شهر است



عکس: امیر جدیدی شرق

از پنجره بیرون را نگاه می‌کنم، فکر می‌کنم زنده‌ام و دارم زندگی می‌کنم. فکر می‌کنم که این خرمالو مال من است. این یک جور پیوند عاطفی با طبیعت و تذکری از سوی طبیعت است.

❧ یکی از مسائلی که این روزها در جامعه ایران زیاد دیده می‌شود، نبود تعلق‌خاطر به خانه و محله است. گویی مکان زندگی برای آدم‌ها جایی نیست که به آن دل بسته باشند و احساس کنند اساسا به جایی تعلق دارند. از گفته‌های شما این‌طور برداشت می‌کنم که حیاط می‌تواند در آنها احساس تعلق به محل زندگی ایجاد کند. درست است؟

حیاط این تعلق مکان را ایجاد می‌کرد، چون زندگی در آن جریان داشت. هرجایی که زندگی هست، شما با احتیاط بیشتری رفتار می‌کنید؛ در واقع این نوع زندگی و روح زندگی به شما تذکراتی می‌دهد که ممکن است آنها را در جریان زندگی شهری فراموش کرده باشید. شما در طول روز متوجه گرفتاری‌ها هستید و حتی درگیر ارتباط با اطرافیان اما با طبیعت کاری ندارید. چه زمانی با طبیعت کار دارید؟ وقتی که ناگهان رخی به شما نشان می‌دهد و این‌س خارج از اراده شماست. این رخ، مثل یک لیخند است؛ لیخندی که از جانب عزیزی است و یادآور خاطرات. برای من این‌طور است که به خودم فکر می‌کنم. وقتی طبیعت مرا وادار به آرامش کرد، به خودم فکر می‌کنم و می‌بینم که بسیاری چیزها برای من درگیری بیجا ایجاد کرده‌اند. می‌بینم با وجود همه مشکلات جامعه شهری که این همه انسان‌ها را تحت فشار قرار می‌دهد و بیشتر آنها را به کار متوجه می‌کند تا زندگی، جریان حیات هنوز هست. این خاصیت کلان‌شهرهاست که در آنها فعالیت جدی‌تر و زندگی کمرنگ‌تر است. یک‌بار در دانشگاه از بچه‌ها پرسیدم آخرین‌باری که به آسمان نگاه کرده‌اید، چه زمانی بوده است. خیلی‌ها یادشان نبود. برای چه آدم به آسمان نگاه کند؟ تعبیر «آسمان خوردم» که مهندس بهشتی به آن اشاره می‌کنند، آسمان حیاط است. در حیاط، شما آسمان شخصی خود را داری؛ یعنی یک بیکران شخصی. این عاطفه ایجاد می‌کند و بدون عاطفه، نمی‌شود زندگی کرد. حیاط به اعتباری خود حیات است. اصلا شاید عمدی وجود داشته که این دو معنا یک شکل دارند؛ یعنی زندگی. حیاط یعنی زندگی و بدون حیاط بودن یعنی کار و فقط کار!

❧ پیش‌ترها کودکان در حیاط جمع می‌شدند و بازی می‌کردند. حالا با حذف حیاط، کودکان چه تأثیری می‌گیرند؟

زمانی محل کار من در کاخ سعدآباد بود. به‌طور معمول دانش‌آموزان را بپرای اردو به آنجا می‌آوردند. برای من عجیب بود که وقتی در اتوبوس دانش‌آموزان بازی می‌شد، آنها از آن بیرون می‌پریدند و دقایقی طولانی بی‌توجه به ناظم و مدیر، به‌هدف می‌دویدند و می‌پریدند. واضح بود این کودکان در خانه‌شان جایی برای بازی نداشتند و در خانه تمام سهم آنها یک اتاق و یک دیوار بود، درنتیجه طبیعی بود کودکان به یک نیاز درونی بدون اراده و با این شیوه پاسخ دهند. اگر امروز فضاهای عمومی در کلان‌شهرها، این همه مهم شده‌اند، بابت آن است که در آپارتمان‌ها به بسیاری از نیازها پاسخ داده نمی‌شود. انسان نیاز دارد با طبیعت پیوند داشته باشد. قدیم‌ها مردم آرامش داشتند، چون با طبیعت بودند. یک ساعت با گل‌ها بودن نیازی به مدیتیشن باقی نمی‌گذارد. کسی که حیاط دارد و می‌تواند صورتش را با آب حوض بشوید که افسردگی نمی‌گیرد.

 	 	 	 	 	
در حال حاضر بابت برنامه‌های توسعه شهری و فراتر از آن برنامه‌های توسعه ملی که به کیفیت نگاهی ندارند و نسبت به موضوع کیفیت کور هستند مرتب فضاهای در حال افت کیفیت هستند.					
این روزها مسائل مدیریتی و سیاسی اولویت نخست هستند و کیفیت، ته جدول اولویت‌هاست					

❧ همه این‌ها درست است اما چه شده که این روزها حیاط با همه ماهویی که با خود دارد، در حال حذف از معماری کلان‌شهرهاست؟

این اتفاقی است که باید راجع به آن فکر کرد و در طرح‌های شهری به آن توجه کرد. در طرح‌های شهری و به لحاظ قانونی هنوز حیاط به عنوان فضای باز مورد توجه است ولی در عمل تسطیح توده و ساختمان و حیاط، به نفع ساختمان و به ضرر حیاط در حال تغییر است. اخیرا ضوابطی آمده که اجازه صد درصدی سطح اشغال زیرزمینی را می‌دهد، این عمل امکان رویش هر گیاهی را می‌گیرد. در چنین حیاط‌هایی تنها می‌توان گل و گیاه نگهداری کرد، در فلاورباکس‌هاست. در نهایت اتفاقی که می‌افتد این است که حیاط‌ها به محیطی انسان‌گریز تبدیل می‌شوند. چرا؟ چون معمولا آن را سنگ می‌کنند و این سنگ بازتاب‌های حرارتی دارد و موجب می‌شود همان گل و گیاهی که در فلاورباکس نگهداری می‌شود هم بابت اینکه از هر طرف در معرض همجهم‌های حرارتی است، از بین برود. پس فضای باز تنها یک فضای تهویه می‌شود نه تذکر به طبیعت انسانی. از سوی دیگر، وقتی که نیاز به تعریض معابر وجود داشته باشد و شهرداری به خاطر تعریض بخشی از ملک مالکان را بگیرد به معبر اضافه کند، توده ساختمان تا صددرصد هم می‌رسد و این موجب از بین رفتن حیاط است. واقعیت این است که اولویت‌ها در حال تغییر هستند. در حال حاضر تهویه و چشم‌انداز است و نور بیش از هرچیز دیگر برای طراحان و قانون‌گذاران اهمیت دارد. در واقع توده و فضا باید نسبتی داشته

باشند که امکان آمدن نور و تهویه وجود داشته باشد. از سوی دیگر، هرچقدر تراکم بالاتر برود، کیفیت سکونت نازل‌تر می‌شود. برای مثال، در منطقه ۹ شهر تهران که تراکم ۸۰۰ نفر در هکتار است، کیفیت زندگی بسیار پایین است. در تهران به زحمت می‌توان منطقه‌ای با کیفیت بالای زندگی یافت. حتی منطقه یک هم نابود شده است. شما فقط کافی است درختان معابر منطقه یک را بردارید، می‌فهمید چه جای بی‌کیفیتی برای زندگی است. در واقع به نسبت تراکم باید به شهر خدمات داده شود. یعنی زیرساخت‌های شهری مانند آب، برق، شبکه رفت‌وآمد و فضاهای خدماتی و عمومی مانند دانشگاه و آموزشگاه و... این‌ها با هم نسبیتی دارند. هرچقدر که نسبت سکونت به نسبت خدمات بالاتر برود، از کیفیت زندگی کم می‌شود. در حال حاضر بابت برنامه‌های توسعه شهری و فراتر از آن برنامه‌های توسعه ملی که به کیفیت نگاهی ندارند و نسبت به موضوع کیفیت کور هستند، مرتب فضاهای در حال افت کیفی هستند. این روزها مسائل مدیریتی و سیاسی اولویت نخست هستند و کیفیت، ته جدول اولویت‌هاست.

❧ اگر تهران و سایر کلان‌شهرها با همین روند پیش بروند، چه آینده‌ای در انتظارشان خواهد بود؟

من شهرهایی در جهان دیده‌ام که به این مسائل بی‌توجه بوده‌اند و الان، شهر نیستند؛ جاهایی مانند قاهره. در قاهره در دوره حکومت نظامیان تراکم بالا رفت. در حال حاضر در بسیاری از مناطق این شهر، صددرصد سطح اشغال دیده می‌شود. نتیجه این است که مردم جای پارک ندارند و خودروشان را در پیاده‌روها پارک می‌کنند. در تمام پیاده‌روهای محلات قاهره ماشین پارک شده است. درنهایت یک خط باریک برای عابران و عبور خودروها باقی می‌ماند. این جا می‌توانید ببینید که چه اغتشاش عملکردی در شهر ایجاد می‌شود. یکی از نتایج واضح آن این است که نظافت شهر مختل می‌شود. در جایی مانند اروپا جدا از اینکه به دلیل پایین بودن جمعیت و نبود نیاز به اسکان کمتر مشکلی وجود دارد، ثبات توسعه شهری نیز هست. توسعه شهری در ایران در حال‌گذاست و شهرهای ما شهرهایی هستند که هنوز به ثبات توسعه نرسیده‌اند. برای این است که نمی‌توانیم یک جاب‌بمانیم و به‌طور مرتب از یک نقطه‌ای در سیاست‌گذاری و طراحی و کیفیت به نقطه دیگر می‌رویم. البته که جمعیت شهرها هم مرتبا در حال افزایش است. درهر حال چیزی که من می‌بینم این است که آینده کلان‌شهرها با روند کنونی، تلخ است. چشم‌انداز آینده چشم‌انداز خوشایندی نیست. ما زندگی سخت‌تری خواهیم داشت. ما نیاز بیشتری به پزشک خواهیم داشت. نیاز به بیمارستان‌های بیشتری خواهیم داشت. افزایش بیماری‌ها بابت ازدست‌دادن کیفیت زندگی شهری است. برخی می‌گویند روستاییان کمتر مریض می‌شوند. این طبیعی است. آنها هم ورزش می‌کنند هم نمره کارشان را می‌بینند و هم اینکه با طبیعت سروکار دارند.

❧ یکی از مسائلی که این روزها بیش از همیشه دیده می‌شود و به نظر می‌رسد، در حال تبدیل شدن به یک معضل است، ویلاسازی در شمال ایران بعد از تغییر کاربری، همین زمین‌های کشاورزی تبدیل می‌شوند به ویلا. در نهایت آخر هفته‌ها و روزهای تعطیل مردم پس از چندین ساعت گشتده در ترافیک به آن جا می‌رسند. به عقیده شما این هم می‌تواند یکی از عوارض حذف حیاط و طبیعت از خانه‌ها باشد؟

بله، این هم از عوارض نداشتن طبیعت حیاط است. ما یک موقعی حیاط دم دستمان بوده است ولی الان برای اینکه حیاط را ببینیم باید چندین ساعت در ترافیک جاده بمانیم و حیاطی در جای دیگر داشته باشیم. واقعیت این است که روستاهای شمال را از بین برده‌ایم، جنگل‌های طبیعی و اقتصاد کشاورزی را نابود کرده‌ایم چون حیاط‌ها را از دست داده‌ایم. من معتقدم ما وظیفه داریم به هر مرحله‌ای از آگاهی رسیدیم، آن را ابراز کنیم. گاهی اوقات این تأثیر می‌گذارد. فعلا ما سرمست توسعه هستیم. توسعه‌ای که خودمان هم نمی‌دانیم به کجا می‌رود. ما داریم به ناگجا می‌رویم. در نهایت وقتی می‌فهمیم چه کرده‌ایم که همه منابع را از دست داده‌ایم.

❧ در قانون‌گذاری‌ها و طرح‌های شهری به این نکات توجه می‌شود. اما چه می‌شود که در عمل این نتیجه‌ها حاصل می‌شود؟

به‌تازگی رویه‌ای در طرح‌های شهری باب شده است که حرف‌های شیرینی زده می‌شود ولی تلخ عمل می‌شود. شما طرح‌ها را ببینید، دیدگاه‌ها آرمان‌گرایانه است و کیفیت‌طلب ولی در عمل وقتی ضوابط را نگاه کنید می‌بینید که هیچ نزدیکی با چشم‌اندازها ندارد. طرح تفصیلی تهران نتیجه طرح جامع نیست. لاقال نتیجه چشم‌انداز و اهداف و راهبردهای طرح جامع نیست. صرفا بحث اقتصادی نیست. مباحث اجتماعی هم مطرح هستند. برای مثال فرض کنید اگر تراکم تهران محدود شود، ساخت‌وساز محدود می‌شود. اگر ساخت‌وساز محدود شود اشتغال هم کم می‌شود چون بخش عمده‌ای از ساکنان شهر در بخش ساخت‌وساز فعالیت می‌کنند. نسبت درآمد شهر از محل سکونت در تهران را با یک شهر توسعه‌یافته مقایسه کنید. آنها اساسا نیازی به ساخت‌وساز ندارند و در بخش صنعت و کشاورزی صنعتی سرمایه‌گذاری می‌کنند. ما اگر این کار را کنیم اشتغال از بین می‌رود. باید دید کاهش ساخت‌وساز چه تبعاتی برای دولت دارد. ظاهرا شهرداری‌ها را مقصر می‌دانیم اما مقصر اصلی برنامه‌های توسعه ملی است که در آنها فکری برای اقتصاد نشده است. در نهایت باید بگویم با همین رویه، آینده، آینده‌ای بی‌کیفیت است.

پنجشنبه • ۲۸ آبان ۱۳۹۴ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۵۲ • ۹

شرق روزنامه

فرهنگ ایرانی

شورای عالی عتف یک نهاد فرابخشی و ملی است

متولی علم و پژوهش در بالاترین سطح در کشور

داستان آدم‌هایی با رویاهای بزرگ

نگاه

حیاط در معماری ایران

حیاط و سبزی موجود در آن، نشانه وجود حیات و زندگی و آبادانی و رویش است. درخت همواره پناهنده انسان و پذیرای اوست و بی‌هیچ توقعی هرآنچه در خود دارد به انسان ارزانی می‌دارد. از این روست که انسان همواره درخت و سایه آن را مأمنی برای خود می‌داند. در قرآن نیز بهترین ماوها در زیر سایه درخت سدر توصیف شده است که همانا بهشت نزد آن قرار دارد. علاوه بر سایه درخت که موجب راحتی انسان بود، چتر نعمتی که بر سرمان می‌گشود فضایی را ایجاد می‌کرد که نمی‌توان آن را در حیطه فضاهای عملکردی آورد بلکه نوعی فضای ادراکی است که با بینش مذهبی ما هم که رسیدن رزق وروزی را از آسمان می‌دانیم هم‌خوانی دارد.

پرهام منشایی‌شکوهی و مانده ضیاپور در مقاله‌ای با عنوان «نقش حیاط در معماری پایدار دیروز» که در نخستین همایش ملی معماری پایدار ارائه شده، اشاره کرده‌اند که به دلیل لزوم وجود عناصر طبیعت در خانه ایرانی است که حیاط به‌عنوان عنصر اصلی معماری ایران شکل می‌گیرد و سازماندهی باقی فضاها بر اساس این عنصر حیات‌بخش است. سازماندهی فضاها نسبت به حیاط و تأثیر اقلیم منطقه بر معماری موجب شکل‌گیری دو نوع معماری در ایران شد: گونه برون‌گرا و درون‌گرا. حیاط در معماری درون‌گرا علاوه بر عملکردهای ارتباطی و انسجام‌دادن به فضاهای مختلف، فضای باز بیرون را به داخل آورده و اغلب فضاهای داخلی به آن باز می‌شوند و به‌این‌ترتیب خانه ارتباط بسیار کمی با بیرون خود دارد. این امور عملکردی و ارتباطی در خانه‌های برون‌گرا به عناصر مختلف دیگری واگذار می‌شود. نقش‌هایی که حیاط در معماری درون‌گرا ایفا می‌کند به‌ترتیب برعهده فضای بیرون و راه‌پله است. به‌عبارتی حیاط سبز و خرم و زیبایی در بیرون خانه وجود دارد به همین دلیل اغلب خانه‌ها با ایجاد فضای تابستان‌نشین امکان ارتباط درون و بیرون را میسر می‌کنند.



به‌لحاظ تاریخی گونه‌های برون‌گرا مقدم بر نوع درون‌گرا هستند و این به‌دلیل انتخاب کوهستان به‌عنوان نقطه امن برای زندگی بوده است. حضور قدرتمند خورشید و تابش آن بر فراز فلات ایران فراوان‌ترین عنصر طبیعی است که در دسترس بوده، درحالی‌که آب مهم‌ترین عامل حیات در دره‌ها و کوهپایه‌های احاطه‌کننده فلات ایران به‌ندرت جاری بوده است. حیاط مرکزی به آسمان ختم می‌شود و در مرکز آن آب نشسته است. تمامی حیاط‌های ایرانی شکل کامل مرغ- مستطیل دارند. حیاط مرکزی در شرایط دشوار محیطی قلمرو امنی پدید آورده که متضمن بقا و آسایش کاربران آن است و در میناش طبیعت محدود اما شادابی پدید آمده که آب‌نما، باغچه و درختان اجزای آن هستند. شاید بتوان شرایط محیطی را یکی از مؤلفه‌های تعیین‌کننده‌ای دانست که به‌مرور این گذشتنه و در مرکز آن آب نشسته است. تمامی حیاط‌های ایرانی به مجموعه‌های سنتی کاربرد و استفاده از منابع و انرژی‌های طبیعی یکی از اصول ساخت و سازمان فضایی آنهاست. خانه‌های قدیمی در بافت‌های کوبری از نظر وضعیت استقرار نوعا در جهت قبله قرار دارند. این جهت‌گیری از لحاظ اقلیمی شرایطی را به‌وجود آورده است تا فضاهای تابستانی و اتاق‌های زمستانی به‌طور منطقی پیرامون حیاط مرکزی قرار گیرند. حیاط مرکزی اصلی‌ترین فضای خانه‌های کوبری است. حوض آب در وسط حیاط، که ابعاد آن به حداکثر می‌رسد، انرژی خورشید را در خود جای می‌دهد. به‌این‌ترتیب تأمین هوای خنک و مطبوع برای هر واحد مسکونی با محفوظ‌کردن حیاط‌های عمیق و تنفس‌خانه‌های به‌هم‌فشرده از داخل این حیاط‌ها امکان‌پذیر شده است. حیاط‌ها که از همه طرف با فضاهای سرویشیده محصور شده‌اند، همچون گودالی هوای خنک شب را در خود ته‌نشین کرده و در روز گرم مورد استفاده قرار می‌دهند. باغچه‌ها با درختان کم‌آب‌خواه، ضمن تأمین سایه و ایفای نقش در تولید و زیبایی، فقر رطوبت محیط را جبران می‌کنند. به‌عبارتی همه عناصر متشکله خانه دست به دست هم می‌دهند تا اقلیمی کوچک و قابل‌زیست برای انسان فراهم کنند. با وجود حیاط و تفاوت تابش در دو جبهه آن دمای بیشتر در جبهه شمالی و سایه در بخش جنوبی، اختلاف فشاری ایجاد می‌شود که گردش هوا را در طول حیاط ممکن می‌کند. جریان هوا با عبور از روی آب و برخورد با گیاهان مرطوب‌شده و گردوغبار موجود در آن فروکش می‌کند و هوایی لطیف با رطوبت کافی و دمای کاهش‌یافته را حاصل می‌کند. همه اینها که حاصل حضور آب، آفتاب و باد در کنار هم است، اقلیمی کوچک در حیاط ایجاد و آن را به وضعیتی پایدار نزدیک می‌کند.

نکته

فضای سبز روی پشت‌بام

در مقررات شهرداری و فنی ساختمان‌سازی از اصطلاح «فضای آزاد» به جای حیاط استفاده می‌شود. فضای آزاد سطحی از قطعه مالکیت است که در آن هیچ‌گونه ساختمانی احداث نشده و فقط برای درختکاری، گلکاری، استخر، حوض، آب‌نما، ایوان غیرمسقف و سایر استفاده‌های محوطه‌سازی تخصیص داده شده باشد. در مقررات ساختمانی آمده است در تمام ساختمان‌های اداری بیش از یک واحد تصرف، باید دسترسی به حیاط بیرونی، به صورت راه‌رو یا پلکان مستقل از واحدها، برای تمام ساکنان و استفاده‌کنندگان ساختمان فراهم باشد. همچنین مساحت ساختمان نسبت به زمین، ۶۰ درصد ساختمان با اضافه دو متر است. بنابراین فضای آزاد ساختمان حدود ۴۰ درصد زمین را در اختیار خود خواهد داشت. اما مسئله بزرگ اینجااست که در آپارتمان‌های کنونی، حیاط بیشتر قربانی پارکینگ می‌شود؛ مسئله پارکینگ مشکل بسیار بزرگی در کلان‌شهرهاست و شهرداری‌ها برای حل مشکل ترافیک و اصولا جای پارک خودروها، مقررات مربوط به پارکینگ را خیلی سفت‌وسخت رعایت می‌کنند. بنابراین ساختمان‌ها اگر تعداد پارکینگشان به تعداد لازم نرسد، نمی‌توانند پایان کار بگیرند. اغلب مجتمع‌های مسکونی نیز که با طبقات زیاد و واحدهای کوچک ساخته می‌شوند، پارکینگ‌های زیادی نیاز دارند که به دلیل مساحت کم زمین، ناچارند جای پارک خودروها را معمولا در دو طبقه زمین، از سوی دیگر، برای هر قطعه زمین، فقط یک در بزرگ که مخصوص خودرو است، داده می‌شود؛ بنابراین لازم است در آپارتمان‌ها برای دسترسی به دو طبقه پارکینگ از رمپ استفاده شود که مسیر منحنی شیب‌داری است که برای خودروها به کار می‌رود. عملا نیاز به رمپ در ساختمان‌ها قسمت اعظم فضای باز و حیاط آپارتمان‌ها را اشغال می‌کند. وقتی که از بالا به حیاط آپارتمان‌ها نگاه شود، می‌توان این رمپ‌ها را دید که باعث شده است بسیاری از فضای حیاط که می‌توانسته جای گل‌وگیاه، آلاچیق یا آب‌نما باشد، رمپ‌ها و مسیرهای ماشین‌رو آن را اشغال کرده‌اند.

تعدادی از مجتمع‌های مسکونی برای جبران به اشغال‌ندرمی‌حیاط حیاط آنها به وسیله رمپ‌ها، به پشت‌بام متوسل شده‌اند. پشت‌بام‌های سبز یا آنچه در بازار ساختمان به «روف‌گاردن» معروف است، تکنیکی است که چند دهه است از اجرای آن گذشته و در برخی از مجتمع‌های مسکونی در ایران نیز مورد استقبال واقع شده است. اما این حیاط‌های روی پشت‌بام نیز دارای برخی مشکلات است؛ مشکل اول این است که وزن ساختمان را افزایش می‌دهد و بنابراین برای ساخت آنها باید از فنون خاصی استفاده و آبیاری و مراقبت خاصی را نیز اعمال کرد. مسئله مهم‌تر هزینه ساخت آنهاست؛ عایق‌بندی و استفاده از مواد مخصوص، باعث افزایش هزینه این باغ‌های پشت‌بامی می‌شود. از سوی دیگر، این پدیده در اروپا با کشورها و شهرهایی که دارای آب‌وهوای معتدل هستند، سازگاری بیشتری نشان می‌دهد. آفتاب تندی که بسیاری از شهرهای ایران دارند، باعث می‌شود هرگونه گیاهی نتواند در پشت‌بام‌ها دوام بیاورد.